

پیکار را بخوانید در نکنیرو پخش آن بکوشید

قتل عام دهکده می‌لای (ویتنام) تکرار می‌شود

در صفحه ۶

دادگاه‌های انقلاب پوششی برای اعدام انقلابیون

در صفحه ۱۲

حزب دموکرات پیراهن عثمانی در دست هیئت حاکمه!

در صفحه ۶

در هفته‌ای که گذشت

پیکار

دوشنبه نوزدهم شهریور ماه ۱۳۵۸ بها : ۱۵ ریال

در صفحه ۶ خر

خبری از :

کردستان سرزمین رژم و قهرمانی خلق

● چموان: دولت در صورت لزوم تمام کردستان را بمباران خواهد کرد.

● بوخی از باداران: مافکر می‌کردیم برای مبارزه با پالیزبان آمده‌ایم
نمی‌دانستیم باید با مردم بجنگیم!

● منطق یک حاکم شرع: خلخالی به فرمانیان خود گفت ما شمارا می‌کشیم
اگر بیکناه بودید به بیشتر می‌روید و اگر گناهکار باشید به جزای اعمال
خود می‌رسید!!

در صفحه ۳

چرا پیکار باید منتشر شود؟

● ما قانونی بودن و حق انتشار نشریات خود را
از خلال ۱۳ سال مبارزه سخت و خوبین برعليه
امپریالیسم و رژیم خونخوار شاه کسب کرده‌ایم.

● آزادی محصول نبودی و قدر نیروهای انقلابی
خلق است که مانند فقط امروز بلکه در سیاه‌رین
سالهای خلقان گذشته نیز در آن سهی خوبین
داشته، بمتابه جزئی از کل خلق در تحصیل
این آزادی شرک نموده‌ایم. در صفحه ۲

شما از :

زندگی حماسه آفرین رفیق شهید فؤاد مصطفی سلطانی از رهبران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان

- در سال ۵۳ دستگیر و به ۴ سال زندان محکوم شد.
- او و دو برادر دیگر شا مین و حسین سلطانی در راه رهائی زحمتکشان به شهادت
رسیدند.

- او در راه ادامه انقلاب ضد امپریالیستی و ضد ارتضاعی خلقهای ایران و در
راه ایرانی مستقل، واحد و دمکراتیک و رفع ستم ملی و طبقاتی از خلق
کرد، بشهادت رسید.

در صفحه ۱۰

آنت امپریالیستی

تبکر نیم قرن مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی خلق

● تعدد های ستمده مانند دوست،
بک در و هرم زم بزرگ خود را از
دست دادند. در صفحه ۷

جنبش کارگری

● مبارزه کارگران در ارگ

● گزارشی از لوله سازی خوزستان
در صفحه ۹

برسمیت شناختن اسرائیل، توطئه‌های آمریکا و دلایل آقای یزدی!

روی نشنه خاورمیانه ظاهر شد. تا امروز
تلخهای زیادی از سوی امپریالیسم،
لبستهای انگلیسی و آمریکایی، و بسیار
میتوانیم و ارتضاع منطقه برای برسمیت
شناختن اسرائیل مورث گرفته است.
بنده در صفحه ۱۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

پیکار

چرا پیکار باید منتشر شود؟

انقلابی آن سخن می‌گویند، «گناه از آنان نیست. آنها بیان واقعیت کردند و با جلوگیری از انتشار این نشریات و اقتصادی دگرگون نمی‌شوند. شما بجای خود شکستن، آئینه را می‌شکند و با مشی گرفتن شیوه کیک خود را از شر دیدن واقعیات "حکام" می‌کنید! در حالیکه خایر از تصور و ذهن شما و در از دسترس خیال و ارزوهایتان، واقعیات وجود دارند. شما پیکار را همراه با نشریات خود توقیف کردید و انتشار آنرا غیرقانونی خواندید در حالیکه ما اجازه انتشار نشریه "پیکار" و قانونی بودن آنرا از خلاص چهارده سال مازده ساخت و خوینی برطیه امیریالیسم و ارجاع کسب کرد، ایم.

این شما نبودید که به ما اجازه انتشار "پیکار" را اطلاع نمودید که اکنون "اراده" کرد، ایم از آن "بخشش" و "مرحومت" درگذرد، بلکه این کوشش توأم با رنج و خون ما بود که جنین اجازه ایجاد نیافری را به ما داد تا بتوانیم شریه حکومروشورتی را به انقلابیون و توده های تحت ستم خلق و بیویز به کارگران صارز ایران تقدیم کنیم. تا از این طریق نیز ایده های مترقب و متعالی خود را در میان زحمتکشان و نیروهای انقلابی نشرد هم و را منسوب شهدگان مان را ادامه دهیم. مبنای قانونی بودن یا نبودن "پیکار" بهمی وجه ربطی نیست، آرای جنینی نمی‌تواند انقلابیون و توده های آگاهی را که بر عکس وی بر نایابی کامل سلطه امیریالیسم و نوکران داخلی اش باشند می‌کند، به خاک و خون نکشد و روانه زندگانشان. اما نکته قابل توجه اینجاست که رژیم کوتولی بقدرتی غصب ماده و فاقد ابتکار و خلابت است که حتی برای سرکوبی مخالفین و فربت توده های نیز ناچار است دست به دامان شیوه های ضحاک، وقتحانه و شبهوغیری شود که رژیم این سکار می‌برد، ایست.

دور نیست زمانی که "نامیرالدین شاه" معروف هر آزاد بخواه و هر جنبدی ای را به اتها می‌باشد. بودن به مسلح می‌کشد. هنوز یاد مان نرفته در ور بس از کودتای شنگن ۲۸ مرداد که رژیم مغفور بهلهوی هر حرکت مترقب و انقلابی را به اتهام "ارتباط" همکاری و... به حزب توده "سرکوب می‌کرد.

وقتی این پیغمون هنمان رنگ باخت و ازاعتا ر افتاد، رژیم سایپاک تن هر رزمند و هر فرد انقلابی را طی سالیابی ۵۷-۵۶ به بهانه "خرابکاری"، "ارتباط با بیکانگان" (!) و تجزیه کشور" بـ سـرـگـارـ سـلـلـهـایـ آـمـرـیـکـائـیـ اـرـشـلـیـ شـبـکـ سـاخـتـ.

و امروز رژیم حاکم کوتولی که بر روی اجداد ۶۵ هزار تن از بهترین فرزندان این مز و سوم استاده است و خود را وارد مازرات قهرمانانه دلیران ایران قلعداد می‌کند با پیگیری تمام همان راه را ادا مداده و با در جای پای رژیم سایپاک میگذرد. گوشش ای از تبلیغات نوع آرای امیریارا شاهده کنید: ۱۹ نفر از کارکنان من سرجشته، در آنسوی کوپره دستگیر می‌شوند و در "بازرسی از خانه" این عده تعدادی عکس و مدارک و استاد که دلیل ارتباط آنان با حزب کردستان بوده، بدست می‌آید. (کیان، شهریور) احمد احمدی کاندید ای ۷ گروه انتخاباتی "مجلس خبرگان" همراه با دوست دستگیر می‌شود و در "بازرسی از خانه او" نوار به زبان کردی و اسناد و مدارک مهم به زبان کردی ... بدست می‌آید. (جمهوری اسلامی ۳ شهریور) بقیه در صفحه ۱۲

دادستانی انقلاب اسلامی اخیراً طی اطلاعیه ای خبر از توقف و غیرقانونی شدن تعدادی روز-نامه و مجله داده که رقم قابل توجهی از آنها را روزنامه ها و مجلات انقلابی و مترقب تشكیل می‌داند. دلایل دادستانی برای جلوگیری از انتشار رچین شریاتی اتهاماتی نظیر اقدام بر علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ... بود. این "دلایل" که بطریز کاملاً اسکاری با "ادله" و تراهنی رژیم آریاشهری در مقابل انقلاب و انقلابیون شباخت دارد، از جانب کسانی مطرح می‌شود که با سیاست های سازشکارانه و ارتجاعی خود د ر مقابل امیریالیستهای غارنگر به انقلاب ایران و سه خون پاک شهیدان خیانت می‌ورزند. توقف شریعت انقلابی و مترقب که در کادر معمن سیاست سازش کارانه اینان در مقابل امیریالیسم قابل مطالعه است، تداوم پورشها و تهاجمات اینان به آزادی بیان و قلم بود. و بهینه دلیل هم این حرکتشان ابدی تعجبی را برناگیریت، سهل است، مور د انتظار هم بود.

ارتجاع در هیچ جای جهان و از جمله در ایران، در کنار افزایش رشد و آگاهی توده های تحت ستم نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد. رشد مرکد ام افول و مرگ دیگری را سبب راه دارد. وقتی توده هایه مانع خود آگاه شوند، دیگر ارتجاع تحت هیچ بیوش و ماسکی نمی‌توانند آنها را بغایب و در جهت مانع و مطاع خود سکار گردند. از اینرو ادامه حیات ارتجاع سه اینست که با تمام قوا و با حد اکثر سرمد در مقابل توده های مانع و رادع ایجاد کند و آنها را برآگاه شدن باز دارد. برای تحقق این مدارف، اولین قدم، به بند کشیدن قلم ها و بردین زیانهای مقتضی و افساگریست، زیرا قلم و بیان از ازد و متمدد، اتفاگر و رسواگر ارتجاع و سازشکاران است. و جنین است که حرکت ضد انقلابی مدرست حاکم که حاصلش توقف سیاری از نشریات مترقب بود، معنی واقعی خود را، علیرغم شماره ها و توجهات رنگارنگ باز میباید. قدرت حاکم در توجه این عمل خود می‌گوید که: "آزادی دادم ولی سو استفاده شد." اما همه می‌دانیم که آزادی بدست آمده نه تحت توجهات و عنایات این با آن و نه در اثر عقوبات و مهربانی کسی، بلکه توجه سالها نمود می‌وقف توجهات نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش بوده است، نبردی که ما نه فقط امروز بلکه در سیاه تیریـ سـالـهـایـ خـفـقـانـ (زـمانـ شـاهـ) در آن سهم خوینی داشته و بستانه جزئی از کل خلق و نیروهای انقلابی در تحصیل این آزادی شرکت نموده بـ. سـیـارـ مـنـذـلـ و درـصـنـ حـضـخـ است کـهـ بـاجـانـ "استـدـلاـلتـ" "جلـوىـ نـشـرـ عـاذـبـ وـ اـفـارـدـ مـترـقبـ وـ بـیـانـ وـ اـقـبـاـتـ گـرفـتـهـ شـودـ. کـارـ اـزـ جـایـ دـیـگـرـ لـنـدـ. اـکـ طـبـوـتـ مـترـقبـ دـمـ اـنـشـاـ" وـ لـغـ فـرـادـ دـهـ اـیـ تحـصـلـ اـمـیرـیـالـیـستـ رـاـ مـوـرـ اـسـتـادـ قـارـ مـیـ دـهـنـدـ، اـینـ مـطـبـوـتـ بـیـسـتـندـ کـهـ مـصـرـنـ وـ بـایـسـتـیـ مـوـرـ دـ حـمـلهـ فـرارـ گـیرـدـ، بلـکـهـ اـینـ بـیـسـتـ حـاـکـمـ وـ آـنـ دـسـتـهـایـ کـهـ اـیـ اـنـحـاـ، گـوـنـاـگـونـ اـنـشـاـ" وـ لـنـدـ فـرارـ دـادـهـایـ مـذـکـورـ جـلوـگـیرـیـ مـیـکـنـدـ کـهـ بـایـدـ مـوـرـ حـمـلهـ وـ تـهـاجـمـ قـرارـ گـیرـدـ. اـکـ طـبـوـتـ اـنـقلـابـیـ وـ مـترـقبـ اـیـ اـضـعـفـ دـوـلـتـ وـ اـعـلـکـدـهـایـ خـدـ

کودستان سرزمین رژم و قهرمانی خلق

● سفر



آنچنان قوی و ایمانشان تزلزل نایاب نبود، که موج شگفتی ارتباشان شده و دهها نفر از آنها سردم پیوستند.

- ۵۰ در مردم از مردم سفر بهمنکام ورود باشد ازان به شهر به علت فنا رعی وری که باشداران بخاطر دستگیری ها ابعاد کرده بودند، شهر را ترک کرده و به کوهها و روستاهای اطراف منتشر شده.

به گفته مردم سفر بیدارگاه خلخالی در شهر ۵۰ نفر را به خود آتش ببرد و لی از ترس مردم فقط اسامی ۲۲ نفر آنها را اعلام کرد. نظامیانی که در سفر اعدام شده‌اندیا محلی بوده، اند و با علت کشته شدن فرماندهان سرهنگ فراشانه دست باشداران حاضر به جنگ شده بودند. در جوان چنگ کروه کثیری از نظامیان به مردم ملحق شدند و گروه دیگری اسلحه‌های خود را تحویل مردم داده و فرار گردیدند.

- بین ارشت و باسازان در سفر اختلاف افتاده است. ارتباشان می‌گویند اداره بادگان و از جمله زندان باید بست ارشت باشد ولی باشداران گفته اند هنوز زندان اقلاب در ارشت بخودداری نمایند اداره بادگان بست ارشت بینند. در ضمن باگان مراجعت کرده‌اند.

- قبل از اعدام شهدای سفر هزاران نفر از اهالی این شهر در خیابانها دست به راهنمایی زده و بطریق بادگان برای افتاده، آنها شمار می‌دادند که: زندانی کردزاد ساید گردد، باشدار اعزامی اخراج ساید گردد. هکما که مردم به بادگان رسیدند، آخوندی به قصد خود را برای آنها خلو آمد ولی زنان بوى عمله کردند و نزدیک سود او را گشتن. باشدارها با چنگ کار اشک آور نظاره گشتنگان را متفرق گردند. ضمن و نظاهرات اعماقی خانواده‌های زندانیان سیاسی چند وزر اخیر در شهر سفر ادامداشت.

بنچه در صفحه ۴

چگونگی کشته شدن فرمانده بادگان سفر

روز چهارشنبه ۵۸/۵/۲۱ سرهنگ محمد فراشانی، فرمانده بادگان سفر که از استخانه پیش در این شهر بود و دلیلی برای درگیری با مردم نمی‌داند. برای جلوگیری از کشته شدن باشداران اعزامی ای وارد مذکور شد و سی نمود آنها را از خالت در مسافت سه ساعت بازداشتند، اما باشداران او را به اتهام عدم «نگاری اندام کردند و سپس اعلام داشتند که فرمانده بادگان بدست افراد مسلح کشته شده است؛ برای این حادثه گروهی از سپهبان بادگار سفر با مردم اعلام هستگی کرد و سلاحهای خود را به پیشمرگان کرد تحویل دادند.

هلیکوپترها از آسمان برس مردم تیر بازیدند.

- برای پنجشنبه اول شهریور، سه فروند هلیکوپتر را از آسمان سفر به پرواز درآمد و مسلسلی ای کالبیر ۵۰ سیلوی مردم آتش گشودند که گروه زیادی از افراد مسلح و کودکان کشته شدند. در این روز ۱۵ پاسدار مجدد از سنت ج به سفر حمله کردند که با مقاومت اهالی روبرو شدند. درین نیز تعدادی از باشداران به اصولانی های حائل زخمیان کرد حمله کردند و ۵ تن از زخمیها را کشند.

چهاران : دولت در صورت لزوم شما مکرداشان را بسیاران خواهد کرد.

روز جمعه دوم شهریور گلوله با ران سفر همچنان ادامه بافت و مردم شیخ در سنگرهای خود مقاومت می‌کردند، چهاران طی شناسی با متنبیان مفرستاد که دولت از کشته بیشترگاهی و گمینیها با کمک نداده و در مورث لزوم شما مکرداشان را بسیاران خواهد کرد. در این روز قوای مکری از مهاباد و سانه و بوکان به سفر آمدند و مردم با حمایت بیشترگان بادگان را از طرف محارمه شودند. تنها یک طرف بادگان که رو به سفر قرار داشت در محارمه شود. در این روز های بطری مرتب افراد ارشت و باساز در سفر بیداره شدند و بسیاران شهر در محارمه قرار گرفتند. خبر - شکاران بی سی و آموخته‌پرس هم در بسیاران در محارمه قرار گرفتند. طی خبری که از شیر و خورشید سنت ج بدست آمد، شداد کشته شدگان نا این روز ۱۶ نفر و زخمیان ۵۰ نفر بودند.

- شهر فهرمان سفر پیاز ۵ روز متأخر و متدر برای ارشت و باشداران سراخجام بست شروعهای کمکی اوتنت و باشداران افتاده. وقتی باشداران به این شهر وارد شدند، ما شهری سوت و کور روز و شدت، شداد رزیاد از مردم در کوهها برای خله بعده سگر گرفته بودند و سنه هم درخانه ها ماندند تا با باشداران که آنها را دوست خود نمی دانستند روبرو شوند. سعی از باشداران گفته بودند ما فکر می‌گردیم برای مسازه با بالزبان به این شهر آمده ایم، نمیدانستیم باشد با مردم چنگیم! پس از تسلط ارشت و باشداران بر شهر سفر، مکری و بیند آغاز شد. تمام خانهها با زاری گردید و دهها نفر که

مردم ویرانی های ارشت را آباد می‌کشند.

مردم ویرانی های ارشت را آباد می‌کشند

- در دو محله فقیر شنین سفر، جمال آباد و کولی آباد می‌خانه های متوب و خسواره و مسلل نابود شده است در کربم آباد هم سه خانه های زیادی آسیب رسیده است. روحیه مردم سپار خوبست و گفته می‌شود که گروههای سرای بازاری خانه های ویران شده از خود مردم نشکنند شده است.

مذاکره با آخوندگان ناصلح نمایند!

- شیخ عزالدین حسینی رهبر ملیو مذهبی خلق کرد طی سیاسته ای از مبارزات فرمایانه مردم سفر شناش کرده و گفته است که دلاروپیهای آنها در تاریخ مبارزات خلق کرد نه می‌شوند. شیخ عزالدین همچنین گفت فقط با سایه‌ندگان دولت قانونی حاضر خواهد بسته است و با آخوندگان که صلاحیت اداره مملکت را ندارند حاضر بیمذاکره نمی‌شوند. وی در پیام خود به مردم شرافتمند سفر، اسلامی مترقبی، کشاورزان و روستایان مسازه نوشته به بیکار خود داده دید، چون ما خواهان خود مختاری نمی‌شیم و ما کسی سر جنگ نداریم، ولی حال که ما چنین نوطه‌ای روبرو شده‌ایم از خود دفاع می‌کنیم و تا آفرین قطوه خون خود در راه راهی خلق کرد و سایر خلیقان ایران می‌جنگیم.

مردم سفر در مدت ۵ روز جنگ تهرمانانه خود خانه به خانه و کوچه به کوچه با بشاداران و ارشتگان جنگیدند. روحیه مردم در این نیزه

احمد مفتی‌زاده مژدورچه می‌کند؟

• سندج

- آغلیت طرفدار احمد مفتی‌زاده در سندج هر روز با مردم این شهر که طرفداران او را جاش (مژدور) خطاب می‌کنند و آنها را عامل لودادن مازاران سندج معترض می‌کنند درگیری شوند. در روزهایی که پاسداران وارد سندج و سقزندند، طرفداران احمد مفتی‌زاده با تقاضا به چهار جلو می‌افتدند و خانه‌های هوا در اران گرههای سیاسی و مازرین سلمان را که طرفدار شیخ عزالدین حسین بودند لو می‌دادند.

گروهی از این نقادان طرفداران که در معترض مژدار سندج و سقزندج پاسداران کم می‌کردند به وسیله مردم شناسانی شده‌اند و یکی از آنها با روحانی و سبک پیشگران گروههای دستگیر و به مهاباد اعزام شد. هم اکنون بیش از ۴۰۰ نفر از روشنگران و معلمان کرد و نزدیک به یکصد غراز مازرین سلمان را دستگیر کرده‌اند و در زندان پاسداران این شهر پیشاند. در میان آنها تعداد زیادی از زنان و دختران دلاور و مادر وجود دارد.

- از روزیکه سندج بوسیله پاسداران اشغال شد، مردم قهرمان سفر برای دفاع خود را آماده کردند. سات ۵/۰۵ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۱/۰۵ مردم مغازه‌ها را سرمه و باشدان خالی در دروازه شهر اجتماع کرده و از ورود پاسداران و گردان ارتش که بوسیله دو هلیکوپتر اسکوت کردند می‌شنوند. به داخل شهر چلچلوگیری کردند. یک گروه که حامل ده نفر پاسدار بود، به این طرف پل آمد که مردم آنرا خلیع سلاح کردند و سپس درگیری و تیراندازی شروع شد که تا ساعت هفت بعد از ظهر اداره داشت. با تیراندازی از هلیکوپتر و نفر از مردم کشته و تعدادی زخمی شدند. ارتش در این روز تا ایرانشاه غب نشینی کرد. روز چهارشنبه ۲۲/۰۵ بعد از ظهر مغازه ساعت ۲ بعد از ظهر هشتاد و پانز هزار کشته و زخمی این نبرد. نفر از پاسداران کشته و زخمی شده و ۱۶ سالند بودند کشته می‌شوند. از این پاسداران با استفاده از خیاره انداز، چند مغازه و نیز ساختمان دادگستری را ویران کردند. اما ارتش مجدداً به ایرانشاه غب نشینی کرد و تعدادی خیاره انداز، ۲ قصه تیرباریا نوار فتنگ ۲۵. تایی، چهار خودرو جیبکه سه عدد از آنها حامل خیاره انداز بودند، به قبضه اسلحه زن، یک کامیون حاوی لباس و مقدار زیلی مهبات بجا گذاشت.

حمله به مردم بی دفاع

- روز جمعه ۵۸/۶/۲ بـنیال شرکت هزاران نفر از مردم سندج در تشییع جنازه اقبال شادی مقدم (وی بعلت عبور از خیابان در ساعت منع عور و مرور بوسیله پاسداران کشته شد)، تظاهرات وسیعی در سندج روى داد که در آن، مردم بقیه در مفعه ۵

روز یکشنبه ۵۸/۵/۲۸ دو کامیون در حیین انتقال پاسداران از خیابانهای مرکزی سندج با توطئه ای که از قبیل طراحی شده بود، مردم حمله ترا می‌گردید و مردم هم که تحریک شده بودند به کامیونها حمله کردند و پاسداران را بدین درگیری خلیع سلاح می‌کنند. بعداً معلوم شد که سلاحهای مزبور همچنین اسوزن نداشته و قابل استفاده نبوده‌اند. پس از این جریان گروهی از هوا در اران مفتی‌زاده سبقتیا به دفتر امام گزارش می‌دهند که زنان و کودکان به گروگان گرفته شده‌اند و پادگان سندج در حاصمه است. اعلامه امام پس از این جریان انتشار می‌باشد. (توطئه بودن حمله به سندج از سخنان فرماده را اند امری کرامشاده در ۵/۵ و نیز از سخنانی اخیر تلویزیونی مهندس بازرگان، آشکار بود). استاندار کردستان و فرمادن لشکر تمام خبرهای را که در این روز پخش شد تذکر کردند. بدینال این جریانات روزهای دیگر حفث اولیه شده بودند که تا حد ما پیش از مدت اینها بیان شدند. این عده از هوا در اران گروههای مازر و طرفداران شیخ عزالدین حسینی بودند.

خانواده‌های دستگیر شدگان در مدد جامع سندج شحصی می‌شوند و خواستار آزادی می‌باشد و شرط این عدم می‌گردد. پاسداران غیرموقیع در شمار "درود بر کاک احمد" (اشارة به احمد مفتی‌زاده)، آنان را راهنمایی می‌کردند، بمحمل تحصن حمله می‌کنند که منجر به جرروح شدن ۲۵ نفر شده و تحصن نیز همی می‌خورد. این عمل اهتزاز و سیع مدم روپوش شد، طوبریکه علیرغم مخالفت پاسداران، باز این روز تجمع مردم در گروههای ۳۰۰ نفری در خیابانها جمع شده و طبله دولت و پادشاه اشاره شمار می‌دادند.

روز چهارشنبه ۲۷ نفر از دستگیر شدگان

علت شمارهای مردم آزاد شدند ولی همچنان عده زیادی در بند می‌مانند. چندند از اعضا مازر شرای شهر نیز در میان دستگیر شدگان هستند، از جمله خام فربد، قریشی که حامله بوده و سقط جنین کرده است.

یک پاسدار با گریه می‌گوید:

- چندی پیش ۲۰۰ نفر پاسدار ایلام را به سندج می‌برند تا از آنجا به سفر اعزام کنند. این عده پس از بخورد با مردم سندج و شنیدن حقایق از رفاقت به سفر سریز می‌شند، در نتیجه آنها را در درونیت (پیکار ۱۰۳ نفر) بارگردانند. یکی از پاسداران که شدیداً تحت تاثیر قرار گرفته بود، پس از برگشتن در جلوی بازار شهر برای مردم از مشاهدات خود صحبت کرده و می‌گوید: اینها داروسته پالیزیان بودند، اینها خود مردم بودند، و در حالیکه سخت متأثر شده بود شروع به گریه کردن می‌کنند و مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهند، هم اکنون در ایلام کمتر کسی حاصل استه شهرهای کردستان بود، پس خصوص که مردم شنیده، اند پس از خلیع سلاح مردم آنها نوبت این منطقه است.

گشته ای از گزارش یک خبرنگار از وقایع سقز: صدای ناه و ضجه کودکان همراه با سرودهای انقلابی که صد ها پیغمبر مسلح کرد به هنگام جنگ با قوای دولتش سرداده بودند، صدای فاتنمهای قدرتمند شد، هواشی را که توسط محمد رضا شاه مزدروز با خون و نفت خربید ای شده کاملاً تحت الشاعر اراده بود. در پیمارستان شهر سخنی برای برد. دهها کودک از صدای فاتنمهای که هر روز بارها دیوارهای پیش از می‌شکستند شوکه شده بودند. صد ها نفر زخمی که غالباً آنها از ارشی و پاسدار بودند روی تختهای حداد و پیمارستان و در راههای افتاده بودند. ریگار مسلل، غربی توپها و غرض تانکها و فاتنمهای از یک طرف دیگر افزایشی، کردی و سرده های اتفاقی از طرف دیگر نهادند. سفر را برای مدت پنج روز از خون و حمامه و آتش آشندند. بدبانی این جریانات روزهای دیگر حفث اولیه شده بودند که تا حد ما پیش از مدت اینها می‌گردند.

دیگر از شعار "من و شعیه فرقی نه، همین همومن خشمی" خسروی نمود. من ناگهان می‌باشد روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن افتادم ولی باور نمی‌شود. من از اینها مردم اعلاه "همستگی" نکرده بود؟ زنها مرتب اینسو و آنسو می‌دودند و کیسه های شن، بطری های کوکتل مولوت، غذا، مان و پنیر و دوغ برازگان، بازگان دوچشم ما شمار می‌دادند؛ بازگان، بازگان دوچشم ما را بخون کشیدی (نوروز و عدی فطر) و دیگر نمی‌توانی سوین عد ما را هم بخون بکشی (عدی فیلان).

همه آنها روحیه خوبی داشتند و دلیرانه مقاومت می‌گردند، مردان و حتی نوجوانان در سگرها با تانکها می‌جنگیدند.

تسلیم در مقابل زورگوشی، هرگز

در چهاران ورود اورش و پاسداران، به شهرهای کردستان مردم اعلام کردند که با اورش و دولتمر سر جنگ شدارند، ولی تسلیم زورگوشی و قلندر-پیاری پاسداران هم نمی‌شوند. نظم و انسپاچ انتقام‌گیری های دهانی و روستایان در نقاط حساس اطراف شهرها و گذرگاههای کوهستانی سکر سندی کرده بودند. زنان روستا شه هر روز کوهه سارهای از شان و آذوقه و لیسترات را برای مردم شهر من آورده‌اند. در جریان جنگ سفر اهالی روستاهای سندج اتفاقی نیز خوار و بار مردم را از طبقه ستد اتفاقی نیز نامن می‌گردند.

- داروسته سه اصطلاح مکتب قرآن که در استندای مردم اعلام همیستگی کرده سودت می‌شود: "پیشمان" می‌شوند، این عده در سفر بـنیال شهادی پاسداران همکاری کردند و مازرین شهر از جمله شهدادی روحانی مجاهد را بدپاسداران لودادند.

بـوقار بـاد خود مختاری خلق پـاد رـچهار جـوب اـیرانـی دـمـوـکـراتـیـک

بک خسرو حاکم است که ارتش برای حمله به مهاباد ۱۲۰ شانک تدارک دیده بود که منجله ۷۰ شانک در ارومیه مستقر بود و چند نیمه عملیات پشتیبانی را تجاه می دادند.

دهها نفر از افسران و درجهداران که حاضر شدند بربری مردم شیرازند از کنند دستگیر و بازداشت و گویا به کرمانشاه منتقل شده اند.

● پاوه

خسرو رسیده که یکی از تبریاران شدگان پاوه دختر ۱۶ ساله ای بوده است که تا لحظه امداد مردم (له رقب) سرود طی خلقت کرد را بر لب داشته و پنهانگام تبریاران فریاد سرداده که (پا کوردستان یا نمان) یا کردستان یا مردن ، فریاد او پشت همه حاضرین را به لرزه درآورده است!

● اخبار پراکنده کردستان

- بدالله پیکلری دادستان اشلاق در گردستان هم که، حاضر شده بود کارهای غلط خلخالی را تائید کند بازنشست شده است.
- اخراجان کردی که از ارتش فرار کرده و به پیشریگان پیوسته اند، هم اکنون بعد از خودران جوان و نوجوان کرد آموزش نظامی میدهند.

- چندی پیش ملا حسن در نقده بوده و ۲۵۰ قیمه اسلحه به گروهی از مرتعشمندان داده است، غالباً ترکها از گرفتن اسلحه خودداری نکرده اند و مایل به چنگ با کردها نبودند.

- حسن، کلیخی معاف ایستادن از کردستان به جرم دفع از خواسته های خلق کرد دستگیر شده است.

- حکیم زاده مدیر کل اداره کشناواری ورزی کردستان نیز با شهادت داشتند و عقاب مارکسیستی دستگیر شده است.

- عثایر ایل شاک فنی پشتیبانی از شبه عزالدین حسینی و حزب دمکرات دولت را شهید کردند که در صورت ادامه برادران کشی راه آهن ایران - اروپا را می بینند و مانع کار کسری بازگران می شوند.

- بهزاد شهاب مدیر کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد ملی به خبرنگاران خبرگزاریهای خارجی اخطار کرده است در صورت ادامه محاصره اخسار کردستان اخراج می شوند. وی گفته است خبرگزاریها با پستی فقط اخبار خبرنگاران خبرگزاری پا رس را مخابره کنند.

- بدنسال دستگیری جمعی از پاسداران اعزامی به همای انتوط پیشریگان، اسامی چند نفر از اعلیٰ بیوی مها سادر حبیب آنها پیدا شده قرار گردید، پاسداران با آنها شاهکارند، یکی از ایشان ایشان مصطفی خرمدل بود که اعتراف کرده است در مه ما کشته بخت اخلاق نظر با حزب دمکرات و سپه - عزالدین حسینی گزارشیهای نادرستی سفرگز و ۱۰۰ مخفی زاده داده است. مصطفی خرمدل سانقاو نفر دیگر بازداشت شده است.

- در شهران جمیعت کردیهای مقیم مرکز در نامه ای مراجع حقوقی و قضایی کشثار ملت کرد را مکون کرد و آنرا با کشثار کردها در سال ۱۹۴۶ بوسیله اوسی جلد مقابله کرد.

آزاد کردن ۳۱۱ پاسدار اسیر شده

پیش از ورود ارتش و پاسداران به مهاباد شهر بوسیله یک کمیته انتظامی اداره میشد و کلبه امور آن زیر نظر این کمیته قرار داشت. چندین گروه پاسدار که می کردند بودند از طبقه میاندوآب و تکاب و شاهین دز به مهاباد نفوذ کردند، در راه بوسیله پیشریگان طلح سلاح و دستگیر شدند، آنها پس از چند ساعت با خودرخیرگاران داخلی و خارجی و فرماندار مهاباد ۳۱۱ نفر از آنان آزاد شدند.

- در جریان پیشویو شهروهای دولتی بسوی مهاباد در محلی بنام محمدیار (۴۰ کیلومتری مهاباد) پیش از زرهی مركب از عنان شانک مستقر می شود. در درگیریها شیکه بین ارتش و پیشریگان کرد در این مکان روی می دهد، دو طرف از توپهای سنگین و دورزن استفاده می کنند. کودها حداقل ۱۰ شانک را در محمدیار منهدم می نمایند.

فرمانده چند واحد سلاح پیشریگه در سفر به خسروگاری گفت: از پادگاههای پاوه و سوشت و مهاباد آنقدر اسلحه و میماید است و در سفر به این مکان بکمال نام با آنها میگتم، بد از پیکال هم مردم ایران سلاحخی می شوند، زیرا ۱۰۰ داکتر نا آنوقت ماهیت ارجاعی و خد مردمی رژیم بر آنها روشن خواهد شد. ما حق خود را می خواهیم و این حق را که همان خدمتها را است داشت خواهیم آورد. وی اضافه کرد: مقامات دولتی و مذهبی نیز خواهند معنی خودمنتاری را سنهند و به ما مانند رژیم پهلوی برجسته طلبی می زندند تا به کشثار مردم کردستان مشروعیت بدهند.



بنده از صفحه ۴

شعارهای تندی طبیه دولت و پاسداران دادند. مردم خواهان آزادی زندانیان سیاسی کرد و خروج بدون قید و شرط با سداران بودند. در شهر سندج حالت حکومت نظامی وجود دارد. درجریان نظاهرات، پاسداران به مردم حمله کردند و گروهی زخمی شدند که محال چند نفر از مجرم حان بشدت وحیم است.

چوب دو سرطلا!

- پاسداران همچنان در نقاط مختلف شهر سندج حضور دارند و مردم می تقاضا از کارآئی می گزند و آنها نیز با ارتش اختلاف دارند. ملا احمد مفتی زاده، چند روزی است جرات خارج شدن از خانه را ندارد و انتخاب یک روحانی شیعه بعنوان نماینده آیت الله خمینی در گردستان که ۹۰ پر مردم آن اهل سنت هستند نشان میدهد که وی (ملا احمد) چوب دو سرطلا شده!

برخورد انقلابی انقلابیون کرد با پاسداران

- مدشی قبل هنگامیکه دو کامیون پاسداران سازم سندج بوده اند، درین راه بوسیله افراد سلاح خلع سلاح می شوند. افراد سلاح ایندرا برای پاسداران از این صحت می کنند و آنها با دادن اعلامه به آنها آزاد شان می کنند، ورود این دو کامیون به سندنج تاثیر زیادی روی پاسداران دیگرگذاشت. درین اعلامه های توزیع شده، اعلامه های سازمان حمکنگان کردستان هم دیده شده است.

گفته می شود حسن ناهید که در سندج نیز باران شد تبلیغ دستگیر شده و به علت تبرخوردگی ران، ناکمر در گچ بود. آبا همین است آن دادگاه عدل اسلامی؟

- ملاحسین امیسی، ساواکی معروف و دوست معمی سرلشکر باکروان که شن ماه بپیش از سفر فرار کرده بود، مجدداً به سفر برگشت و بنام امام جمهود و حاکم شرع، هنایات ظلخالی و پاسداران را تا شید کرده است.

وی در روزهای اشلاق بوسیله مردم مقیز برگشته شد و بجاوی وی ملاحده اللہ محمدی که گفته می شود مجرم و دستگیر شده است، امامت نیماز جمهود را عهددار شد.

● مهاباد

شنبه ۱۴/۶/۵۸ ناشیم های نیروی هوایی من شکست دیوار موشی در مهاباد به سیمان اطراف پرداختند. یکی از سیمان به کوهی در تردیکی قربه "تول نولاج" احاطه کردند. آنها را مردم در بنا هایی زیرزمینی سر برداشتند. همین شد در حالیکه ارتش بسوی مهاباد در حرکت بود در جوالي ده "میرآوا" (بین مهاباد و میاندوآب) مورد حمله پیشریگه ها قرار گرفت. در این درگیری یک فروند هلیکوپتر سرکشون و ۶ نانک دولتی منهدم گردید. پیشریگه هایا به اسارت گرفتند و نیز از نیروهای دولتی دو نانک را به غصیت برداشتند.

از لطیف هلمت شاعر بزرگ کرد

آنگاه...

ستگران

در سراسر پهنه خاک
مکتب نفرت و کیته بنا می کنند ،
اما روزی رنجگران
آن همه را در رم خواهند شکست
و در سراسر پهنه خاک
مکتب دست داشتن
بنا خواهند کرد .

ستگران

زمن را
سراسر
به زندانی مدل کنند

اما روزی رنجگران
هر زندانی رایه گلستانی بدل خواهند کرد

ستگران

زمن را
سراسر
زیاد خانه ای می کنند
سب و غنچه و مرگ را ،

اما روزی رنجگران
زمن را سراسر کارگاهی می کنند
زنگی را و مهر و زیدن را

آنگاه دیگر
نه کنای جاخواهد ماند و نه گنجی !
نه زندانی جاخواهد ماند و نه گنجی !

نقل از کتاب حممه ، شماره ۴

روستایان به دفتر محلی اشرف خان
دستگیری حمله ببرد و اوراق و استناد
جناحت بازی را بدست می‌ورند. در یکی
از اوراق او اسامی خانواده‌های ده را
پادا داشت کرده و از شام آنان باج میگردید
فته است. بعد از آن زمینهای مزروعی و
همچنین بک تراکتور و بک ماشین توبویها و
شام اسلحه‌های دست بدست آمده نیز فرسخ
میگردد.

بنابراین خبرهای رسیده اربابان
گروگانهای خود را به سهای پاسداران
انقلاب اسلامی کرمانته انتخواب داده اند
که گویا شهادتی از تبریاران شدگان
کرمانته از همین‌ها بوده اند.

کاک محمد رشید عضو اتحادیه دهستانی
سقز و از اعضاي جمعیت سقز و از هواهاران
سازمان پیکار، وی یکی از افراد موضع اتحاد
دیده دهستانی بود البته در مورد شهادت وی
بنین است که او را هزاره با ۱۰ نفر دیگر
گروگان میگیرند و در بین آن ده نفر جو ن
این شخص از محبوترین و موثرترین
افراد بود و گویا در طی مدت دستگیری
هم نسبت به فشودالهای برخاش می‌کردد،
فشلدهای هاشتند در ده وی را تبریاران
و چند شرکت در ده وی را تبریاران
شارو مار کردن فشودالهای جد وی را از
زیر خاک درآورده و به سفر میبرند.

قتل عام دهکده می‌لای (ویتنام) تکرار می‌شود و ۲۰ تن از هموطنان کرده‌اند
در روستاهای "قارنه" و "کانی مام سید" قتل عام می‌شوند!

در هفت‌گذشته خبر هولناک قتل خود طرفی بستند، این نا مردمان بیزد ل
عام ۲۰ نفر از زنان و کودکان دهکده‌های کرده‌اند "قارنه" و "کانی مام سید" از نوابع نقده مردم آگاه و ستدیده مارا تکان داد. این جنایت نشان‌داد که جه تدارک شیطانی و کثیفی بر علی خلق کرد سازمان داده شده است. کسانی که نقشه این جنایت را کشیده و عمل کرده‌اند آنچنان در مقابل رژیمندگی و دلاوری خلق کرد، خود باغته شده اندو آنچنان خود را در مقابل این خلق پیغمرا من تحریر شد می‌بینند که بـ ۱. تقدیم کشته شدن ۱۵ پاسدار مسلح در منطقه نقدم ، بـ قتل عام زنان و کودکان می‌پردازند و نشان می‌دهند که دست کمی از جنایتکاران آمریکایی که به تلافی کشtar سربازان اشغالگر خود به جنایاتی نظیر قتل عام دهکده می‌زندند، ندارند . اما اگر آن مدت‌هاست که برای توده‌های آگاه مـ ۲. جنایتکاران آمریکایی از این جنایات روشن شده است .

(جمه کرده) وجود داشت که بر اثر اعماق تکه‌های خیباره نظامیان زخمی شده و بدست پاسداران افتاده بود. اما پس از دگاه خلخالی این نوجوان را به اعدام میکردند. خلخالی به قربانیان بیکنایی خود گفته است: ما شارا می‌کشم، اگر بیکنایم بودید به بیشتر می‌روید و اگر کنایکار باشید به جزای اعمال خود رسیده‌اید . راستی چرا امثال شیخ الالم زاده‌ها از این "قوایشین" مستثنی هستند؟

متندج

- در حالیکه برای تهرانی، جلد ساواکدهای جلسه معاکنه ترتیب داده شد، خلخالی در مدتی کمتر از ۴۴ ساعت‌دها نفر از فرزندان خلق کرد و در بواره‌جوخه اعدام قرار داد. ۵۲ نفر در مقبره ۹ نفر در متندج و در طرف ۴ ساعت ۹ نفر در مریوان، در میان اعدام شدگان نظر نوجوان ۱۲ ساله‌ای بنام حسن فرزند محمد دارابی بوکانی

؛ اربابان در هم میبرند و با سفار می‌گذارند.

بقیه از صفحه ۱۵

همچنین یک نفر دیگر از اتحادیه‌دهقانی زخمی میشود.

بعد از این زد و خورد اربابان به محacre بقیه افراد میبرند. سهاد زاده حادثه نیروهای اشغالی مبنظره برا میکوپ اربابان به منطقه عربست میکشند و شب هنگام به اربابان حمله برده‌وردا ولین حمله ۵ نفر از اربابان بزرگ منطقه از حمله رهبر آنان علی اشرف خان دستگیری را می‌کشند . در این نمردیک پیشریگ روزمند، که از فرماندهان یک نیم نظامی شیخ بوده است بنام کاک محمد (کاک اصلخاکی) برادر () که در سرکوب متعدد ایها نفع مده ای را داشته بسیار دستگیر شد . سه از این فرماندهان بتوانی

آیت الله طالقانی : تبلور نیم قرن مبارزه ضد امپرالیستی

احساس مکمل است نسبت به ستمدگان را که بر خلاف مصالح ملت قشم سر می دارند گاه میهن ما در زیر جمهه های نیروهای صربیا و گاه کنایه آمیز با بطنز منقین بنفس افتاده بود فریاد طالقانی افشا می کرد سلا روزنامه نگاری جبره بلند بود و بیخبران را هشدار میداد خوار مانند عبدالرحمون فرامرزی را با

و ضد استبدادی

❷ با شهادت طالقانی سنگی از بیش بای دشمنان آزادی برداشته شد.

❸ خطاب به مزدوران ساواک در هنگام سخنرانی ها : " حرفهای مرا همانطور که هست گزارش کنید! "

❹ خطاب به آیت الله کاشانی در زمان مصدق : " آقامواطباشید زیر باستان بتوسخنوزه نگذارند! "

❺ به زنralهای شاه در می دادگاه نظامی : " نوبد ویرانی کاخ نمرود! "

که بجای کوفتن بر سرو روی در مراسم عبدالرحمون بن ملجم (قاتل علی بن عائورا ، بنکر سپیرون ریختن اشغالگران ایی طالب) مقایسه می شود .

پس از واژگویی حکومت ملی مصدق در نیفست مقاومت ملی فعالیت می کرد و برداشتی روش بینانه خود از اسلام و مسائل اجتماعی را کاملتر کرده ، از هر تلاشی علیه استبداد ولو در چهارچوب جمهه ملی و نیفست آزادی حفایت کرده ، در آن شارکت می شوند . در اوائل سالهای ۴۰ ۴۱ مانعکه مراجع تقليد پس از سالان دراز سکوت ، به مخالفت با حکومت وقت در چهارچوب سپار محدود برداختند (محدوده ای که جز مخالفت با انجمنهای ایالتی و ولایتی و گاه مخالفت با همان اصلاحات ارضی نیم بند شاه شود) با سفرهای مکرر به قم و صحبت با مراجع تقليد از جمله آیت الله خمينی ، ضرورت و اهمیت مبارزه با سلطنت و امریکا و بخصوص نفوذ اسرائیل را خاطر نشان ساخت . آیت الله طالقانی اولین کسی بود که در سالهای ۴۰ ۴۱ مسئله صهیونیسم و خطرناک بودن نفوذ اسرائیل و ضرورت حمایت از مبارزات عادلانه خلق فلسطین را در ایران مطرح ساخت . پیش از آن نیز صمیمانه از مبارزات مردم الجزایر حمایت می شود . او با سفری که در سال ۱۳۴۵ به بیت المقدس کرد و از مصر دوران عبدالناصر دیدن نمود ، بیشتر به عظمت و اهمیت مبارزه نوده های استمیدده عرب پی برد و همواره در حمایت از آنان سخن می گفت و تنگ - نظرانی را که برای ارفا ، راحت طلبی

خبر ، نکان دهنده است : " آیت الله طالقانی دار فاشی را وداع گفت " کدام رحمتکش ، کدام آزادبخواه ، کدام مسلمان مبارز و متوفی ، کدام دمکرات ضد امپرالیست و ضد ارتخای کدام راستین است که بخصوص دراین کمیتیست راستین از تاریخ کشورما ، از این مرحله حاس از چشمانت خلق نزند؟ جریان خبر اشک در چشمانت خلق نزند؟ جریان مبارزات سهمگین توده های ستمدگان کشور ما طی نیم قرن گذشته شخصیتی چند بعدی ، سترگ و پرسار همچون طالقانی را بسیار آورد ، و او که تبلور آرمانهای مقدس ضد ظلمی ، ضد امپرالیستی ، ضد استبدادی ، آزادبخواهانه و عدالتجویانه اقتدار متوسط مردم ما بود بنوبه خود در مبارزات خلق ناشیر سزاگی از خود بجای گذاشت . او دلیل داشت پر مهر و دریا مانند و چه کم و نایابند شخصیتی ای از میان روحانیت که همچون او فارغ از تشعب و جهالت باشند . او بناهای همه مظلومان بود و تا آنجا که تشخیص میداد ، تجمع راستین این سخن امام خود علی بن اسی طالب بود که :

کونواللظالم خاماً وللمظالم عوناً (دشمن ستمگر ساشه و پار استمیدده) . سخنی که بارها و بارها تکرار میکرد . برای او مرزهای ساختگی معنی نداشت تنگ نظری در قاموس او محکوم بود و خود بیشترین رنجهای را از دست تنگ نظران کشید و همینه فریادش از دست اینسان سلطنت بود .

در دوران سیاه دیکتاتوری رضا خانی نتوانست سکوت را توجه کند و دست از مبارزه نکشد و در ۱۳۱۸ به زندان افتاد . پس از شهریور ۲۰ که

پیکار

خود بهانه های مبتدل شیعه و سنی داشته اند . موضع او در برابر دشمن یا جلب حمایت او از برنامه های خود - همیشه تهاجمی و از بالا بود. از کشیده - ای که بصورت زندانیان در اوائل سالهای ۴۰ نواختگرفته تا سکوت در برابردادگاه نظامی که او را به ده سال زندان محکوم کرد . تنها در آرین جلسه که حکم دادگاه مبنی بر محکومیت او به ده سال زندان اعلام شدقاطعه نژارهای ارتشد شاه را که هیئت داد - رسی دادگاه نظامی را تشکیل میدادند امر به نشتن کرد و سوره " والفجر " را خواند و کاخ نمرو迪ان را نویسد ویرانی داد .

پس از ۵ سال که از زندان بیرون آمد و هیچ خبر نداشت که جوانانی از شاگردان او در اندیشه مبارزه ای بی - امان و انقلابی هستند ، وقتی از جما هد شهید سعید محسن شنید که عده ای از جوانان مبارز به سازماندهی مخفی پراخته و آماده اند راه مبارزه را قاطعه و بشیوه ای انقلابی به بیش برند ، گل از گلش شکفت و آمادگی خود را برای هر گونه کمک و حمایت اعلام داشت آیت الله طالقانی در سال ۴۹ زمانی که یک هوایی ایرانی از دویی به شراق رسیده شد تا بدینویله ۹ فروردین ماجاهدین خلق به ایران خوبیل دادند شنود و به اسارت دشمن نیفتند و دولت عراق آنان را به زندان انداده بود ، طی تنا مه ای با جوهر نارمی شده آیت الله خبینی که آن زمان در نجف بود ، در خواست کمک برای آزادی آنان نمود . اگرچه این توصیه حمایت و کمک به مجاہدین زندانی موثر نیفتاد ، ولی آیت الله طالقانی راه مستقل خود را رفت و هرگز از حمایت و رابطه با مجاہدین خسته نشد . یکار در سال ۵۱ که پیش به سنزل او ریخته و قصده تفتیش خانه را داشت ، نشیوه داخلی مجاہدین را در جیمهای خود بینهان کرد . چرا که متول خودش " من " نه از جیب او وجود نداشت !

پس از قیام سیمن ماه علیرغم تمام فشارهای که از جانب قشریون کوته نظر و جست افروزان مرتعج بشه قدرت رسیده ، بر او وارد میشد و علیرغم تمام تلاشهاشی که برای متزوی کردن و سالهای زندان خاست سی ساله حکایتی میگردید دارند ، او معلم و مدرسی را ایمید داشته بیماری از میانه از زندانی بود . در زندان همکلاسهای درین او که تنسیر قرآن سودمند نکنست . مقاومت او در برابر جلادان و مسوان خود فروخته رژیم شاه زبانزد ننمی کسانی است که از نزدیکی با او آشائی

در زمان شاه کم بود زیادتر کنند به آنها سیمه درمانی بدهند ، مکن بدهند و غیره ولی با اینکه حال هیچکدام از اینها را نمی خواهند ، حتی حقوق هم نمی خواهند ! و در عرض کار می - خواهند که حتی آنرا هم میخواهند از مشتغلان بگیرند . بکی از کارگران که از این وضعی خشنناک بود در جمع گفت :

* این قانون جمهوری اسلامی است که کارفرما هرگز کار که میخواهد بگیرد؟ هزاربار سماگتند که این دولت سرمایه داری است . مدت دو سال در اینجا رحمت کنیدم هی ما را اینور آنور کردند . حالا پسند کدام خدا نکات کنم .

رشیش باشد از این فتشای خوزستان رئیس پادشاه را با این قطعنامه ارجاعی کارگران کارگر حمله کرد ، و چند کنند به او زد و او را به ماسنین کمیته برد . ولی بگذشت کارگران او و از اینها پیاده و آزاد کردند . بعد از این فتایا ، تمام کارگران و دبیلمه ها به استانداری رفتند ولی در نشستی که با مسئولین داشتند و ابراهیمی هم در آن حضور داشت بطور مستقیم به تعبیه دبیلمه ها گفت که بشای خد اتفاق هبتد شماها کارگران را محروم کنید . شماها به کارگران میگوشید که مزد ها کم است ... بد از این جو وحشی ها که بسیان شایندگان کارگران و استانداری شده بجهت تنشیه ای برای برگشت به کار نگرفتند و گفته شد که باشد توبه حساب کنند .

مبادره کارگران در اراک

۴۰۰ شنگر کارگر شرکت ساخته ای لوشن کے بسایندگان ساخته ای کارخانه و اکن سازی اراک می باشد مدت ۶۲ روز است که دست به اعتماد زده است . آنها خواستار حقوق حقیقت افتاده خودمی باشند .

صاحب این شرکت شخصی بنام مهندس منابعی

بوده که به خارج گرفته و بگفته بکی از کارگران

حدود ۵۴ میلیون تومان با خود بوده است . حقوق

اکنیتیت کارگران از پنج ماه و سی هیز از

نهماه پیش برداخت شده است .

شایندگان کارگران در طی این مدت بسیاری

طرح خواسته ای خود چندین بار به فرمانداری اراک

و زارت کار و استانداری مراجعه کرده و حتی پنج

شتر از آنها به قم نزد آیت الله خمینی رفتند

ولی تا کنون با وجود وعده دادن ها هیچگونه

آن دادنی درجهت برآوردن خواسته ای کارگران انجام

نگرفته است .

مدیر عامل کارخانه تبیز که جانشین ما حسب

کارخانه است از زمان اعتماد به تهران رفته .

کارگران هر روز از ساعت ۷/۵ صبح تا ۳ سهی از شب

در محل شرکت انتشار می کنند و نعمت هستند تا

برآوردن خواسته ای خود به اعتماد ادا مدهند .



جنگی از لوله سازی خوزستان

بعد از سه هفته در دوری شورای کارخانه لوله سازی خوزستان، با لافره امروز (۵۸/۵/۲۶) شروع شد که اعلیه کارگران و زحمتکشان کارخانه پیشنهاد شده بود شایان گردید .

امروز که کارگران و دبیلمه های آموزشی مانند روزهای دیگر در کارخانه برای شعبه سرنوشت خوبی تجمع کرده بودند ناگفه متجوجه می شوند که ابراهیمی شایندگان دولت و متخصصان شایندگان شورای کارگران مستعد نباشند بشارت (کارفرما) این باطلخواهی متعارض نباشند ! با چند پادشاه انتقال اسلامی وارد کارخانه گردیدند . قیل ازور و این دو شخص (ابراهیمی و منقی) که مرتب دام از فیض از مستعدین می زدند ، شایندگان شورای کارگران و دبیلمه های آموزشی که اکثر از خواباده های فنی هستند و هر کدام از آنها (دبیلمه ها) حتی مدت دو سال است که بیکار هستند ، شرای کارخانه ها بقیه شایندگان شورای کارگران رفته بودند تا بینندگان شرک کارگر به خواهد شد . کارگران بد از شایندگان و دبیلمه های مددجوی درگاه را گزینند شایندگی کنند . کارگران هم سطوف را فرستند شایندگان شورا که سرای مذاکره به استانداری رفتند بودند سرگردانی از این شایندگان شورای کارگران را که زندگی کلیه کارکنان به آن مربوط است بدون اطلاع استانداری بسرزد . بعد از چندی پادشاه وارد کارخانه شدند . پادشاه از کارخانه را در اشغال خود درآوردند . سعدا زا خان کارخانه شوطي این حامیان سرمایه داران ، ابراهیمی و منقی بنا شایندگان شورای کارخانه قطعنامه ای دادند که شوطي بکی از دبیلمه ها برای همه بدین مضمون خواهد شد :

بسم الله الرحمن الرحيم
بدین وصیله مدیر و سرپرست
کارخانه (ابراهیمی و منقی) به عرض
پادشاه میرساند که برای شایندگان
سداده و موقت ساده ۲۳ قانون اساسی
جمهوری اسلامی کارفرماهم می شوند
استخدام و هم مبنی باشد اخراج کند . لذا از
سراد ران خواهند شدم که سعدا زا خان
هیچ سرخورد کارخانه را نیز کند .

فان، مس کن، آزادی

شمعای از :

زندگی حمامه آفرین رفیق شید

فواد مصطفی سلطانی

سیرون را ندن فودالها توسط
دهقانان و اقلاییون در کوتلو

ده کوتلو در حدود ۹۰ خاکواده دارد و بین ابراشناء و نکاب میباشد. روستایان این منطقه از درآمد کمی برخوردارند. بهترین زمینهای مزروعی در منطقه به صورت الله خان مسعود وزیری از اربابان بزرگ منطقه است که این زمینها را به شخصی بنام علی اشرف خان غورکاری اجاره داده است. بدنبال هزار زاده عظم روستا شبان علیه اربابان و تقسیم زمینها در آنان در منطقه اهالی ده کوتلو نیز تضمیم میکرند این زمینها را تقسیم کنند. علی اشرف خان که شناخت غورکار در خطرو میمینند، با اربابان دیگر منطقه همان گرفته و در حدود ۲۰۰ نفر ملکه از اربابان و عوامل آنان را سیچ کرده تا مبارزات روستایان را سرکوب کنند. همین در چند منطقه از جمله در تساما جاده های منتهی به ده سکونتی کرده و به اذیت و آزار روستایان میبردازد. روستایان برای حل مشکلات خود از شهرو های انتقامی کمک میخواهند. در روز پنجشنبه ۵/۲۵، ۶ نفر از همواران چوکهای شاهزادی به منطقه عزمیت کرده و شرکا در ده می مانند.

همین نتا به تضمیم اربابان که خواستار مذاکره بودند، عذر از جمیعت ستز و ۱۲ نفر از اتحادیه دهقانی شیله کو (ایران) شاهده از ۴۶ ده شکل شده و در مبارزات روستایان علیه اربابان نتشی عده ای داشته است) برای مذاکره به منطقه رفت اما با توجه به وضع خراسانی منطقه همین بسته شدن جاده ها از مناطق کوستانتی به تزدیک ده کرفتو رفت و در آنچه سکونتی می گشتد.

اربابانی که در تزدیک ده کرفتو سکونتی کرده بودند در همان شب وارد دهنه و ۴ نفر از هوازان چوکهای فداش را به گروگان میکرند. ۲ نفر دیگر از آنان موفق به فرار میشوند، همین شهودالها با توجه به داشتن دوربین های نظماً می موفق به شناسایی سگرهای شپورهای اعزامی میشوند در صبح جمعه ۵/۲۶ میزبان و شپورهای انتقامی میزی دهد که بعد از شیرازدای های زیاد میانهای بمحض خانواده بکار رفته اند. فرزندان خلق قهرمان کرد که سالهای پیش از عمر خود را مبارزه در راه آزادی خلق ایران گذرانده بود و به همین خاطر به حضور هشت امراء شورای هماهنگی می خواهند که این انتقام از همین اندیشه را بخوبیت هشت امراء شورای هماهنگی می خواهند. شهید شد، بادش گرامی باد.

وفیق از بنیانگذاران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان در سال ۴۸ و پس از قیام بهمن ماه از بنیانگذاران اتحادیه دهقانان مریوان و اورا مانا ت بود.

طول نخواهد کشید که آنها بی به اشتباہشان خواهند بود و اسلحه را زمین خواهند گذاشت اما فواد و رفاقتان شرابط ساخت و دشوار راه بیهای دامنی و خطر محاصره از طرف جاشهای (جاش = مژ در) محل را تحمل کردند و متوجه به تیروی قابل ملاحظه ای تبدیل شدند. دیگر در سراسر منطقه فواد را بعنوان یکی از رهبران جنگی انتقامی می شناختند. پس از وقایع خونین مریوان کسانیکه در ارد و گاه، فواد را از تزدیک دیده اند بیاد می آورند که وی جگونه با روحیه عالی و اراده آهنهای با ماسائل برخورد می کرد و خستگی و بیان را نمی شناخت و همیشه با مردم بود. در ارتباط با حمله خونین به کردستان، فواد برای مدتسی به خاطر انجام کارهای سازمانی از مریوان خارج شد و در کار مرکزیت فعالیت کرد. در همین زمان بود که دو تن از برادران ارشد نهادهای این و مارکیسم - لئینیسم و راه طبقه کارگر و زحمتکشان پیدا میکند و نا آخر صربه آن وفادار می مانند. پس از پایان تحصیل در کرمان، گرمانشاه و مریوان پکار پرداخت و در همه جا خاطره خوبی از خود درین کارگران برق و مردم شهر باقی گذاشت. وی در پاییز سال ۴۸ بیاری چند تن از همکارانش سازمان انتقامی زحمتکشان کردستان را بنیاد نهاد. در سال ۵۳ دستگیر و به چهار سال زندان محکوم شد. وی در زندان هم دست از همایزه و شهید می شود.

فواد دریا دلی بود که نه فقط در میان توده های مردم منطقه، بلکه در میان روشنگران نیز از اعیان و اعتماد زیادی برخورد از پسراند. شهادت او و دیگر زنده گانی که امروز در کردستان خون خود را به خلق تقدیم می کنند؛ اگرچه چنان شهادت رفت، پس از آزادی از زندان در جریان مبارزات توده های مردم بر طبعه ریزم شاه خاچن فعالانه شرکت کرد و همایزه خود را از طریق سازمانش به پیش برد. بعد از قیام و سرنگونی ریزم شاه خاچن، فواد به همراه دیگر رفقاء انتقامی و مارکیسم اتحادیه دهقانان مریوان و اورا مانات را بنیان گذاشت.

وی معتقد بود که در مرحله معینی از زندان نخداها و مبارزه توده های کارسیاست. شکلاتی کار نظامی گره خواهد خورد، بطوریکه انجام یکی بدون دیگری امکان بذیر نخواهد بود. به همین دلیل رعیت اولین دسته از پیشگیری ای "اتحادیه دهقانان" را بعده می گیرد و در میان اینوهی از مخالفان و دشمنانش به فعالیت می سردازد. هنگامیکه فواد و رفاقتان شروع به کار کردند فرست طلبان می گفتند: چند روز پیشتر

خلق کرد خود مختاری میخواهدن ه جنگ

فلسطین و شوده‌های آگاه عرب بیویه‌دلیلان به مبارزه ادامه دهد و از سوی دیگر امید آنرا داشت که از طریق مذاکره با اسرائیل

● اسرائیل با جنگ ژوئن تنها توانست برخی از کشورهای عربی را بطور ضمنی مجبور به شناسائی اسرائیل کند.

● سیر حادث سیاسی و نظامی سالهای گذشته، نقطه نظرات جبهه امتناع را تائید کرده است.

● انقلاب فلسطین در خطرناکترین مراحل حیات خود، مواجه با توطئه‌ای است که می‌توشد فلسطینی‌ها را به قبول اسرائیل وادارد.

● نقش چائوشسکو، کرایسکی و آقای یزدی در دلالی سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا

زمینهای اشغال شده جولان را پس‌بگیرد. به دلیل همین موضع متزلزل در عین حال که با سیاست تسلیم طلبانه مادات ظاهراً مخالفت می‌ورزید، خود انقلاب فلسطین را که در اتحاد خوبی با جناهای متفرق چه‌لبنان، می‌رفت که بموروث یک قدرت نکت ناپذیر و مانعی همیشگی در راه ملحه درآید دلیلان سرکوب کرد. دخالت نظامی آن بنفع نیروهای متجر به اشغال نظایر آن می‌توانستند نیروهای دست راستی گردید درواقع برای این هدف موروث گرفت که "سر مقاومت فلسطین را بر سفره ملح و سازش با اسرائیل قرار دهد".
تلخهای سیاسی مصر و سوریه و اردن و پشتیبانی امیریالیسم و ارتتعاج آزان - که تا حدی مورد حمایت مکو نیز بود فلسطینی‌ها را به دودسته تقسیم کرد؛ عدهای که می‌گفتند با اینکه امید چندانی به این مذاکرات نمی‌رود ولی شاید بتوان قسمت‌هایی از خاک فلسطین را از طریق مذاکره پس‌گرفت. رهبری الفتح و جبهه دموکراتیک در این راه می‌رفتند و اکثریت قدرت سیاسی و نظامی فلسطین در دست اینان بود. عده‌ای از دیگر که جبهه خلق برای آزادی فلسطین (به رهبری جرج حش) در راس آنان فرار داشت معتقد بودند که راه آزادی فلسطین به هیچ‌وجه راه مذاکرات نبست و دشمن یک خواهد داد. تنها با مبارزه منحصراً شود - ای می‌توان فلسطین را آزاد کرد. دسته دوم را جبهه امتناع با جبهه رد می‌نامند. هرچند این دو سپاه تاکنون بر جاست اما سپاه حوات صحت خط دوم را شاید نموده است. جرا که سادات جر تسلیم و افتدان هرجه سیاست‌گذاری این امیریالیسم راه دیگری نرفت. آمریکا گردانده اصلی تماش ملح خاورمیانه گشت و حتی از کنفرانس زنو که با ریاست مشترک آمریکا و شوروی قرار بود تشکیل شود و سپرهای درگیر منجمله فلسطینی‌ها با حقوق منساوی در آن شرکت کنند خبری نشد و اسرائیل با مرسنی تام بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱

به رسمیت شناختن اسرائیل ۵۰۰ فلسطینی‌ها و کلاً اعرابک اسرائیل غاصب را همچون غنجری در بهلوی خود میدیدند. سالیان دنیا ز حاضر شمیشند اسرائیل را در مرزهای خود پذیرا گردند. شوده‌های عرب جناب بر سر این عقیده که اسرائیل باشد نایب شود و فلسطین به فلسطینها بازگردانده شود اصرار می‌ورزیدند که حتی زمامداران مرتضع عرب نیز جرات آنرا نداشتند که خواست اربابان امیریالیست خود را به شوده‌ها بینبواشند. (۱) ملک عبدالله اولین پادشاه اردن (عموی ملک حسین) که خود زاده سیاست بریتانیا و کشور همسزاد اسرائیل سود می‌خواست اسرائیل را برسیت شناخت اما در بیت المقدس بسته‌بیک می‌باز فلسطینی ترور شد. بورقبه، دیکتاتور توپس نیز که پیشنهاد کنار آمدن اعراب و اسرائیل را مطرح می‌کرد سرانجام می‌بورزد با سی آپوشی تمام سخن خود را درز گیرد اسلام مسرو او چکیزی موج ناسیونالیسم عربی در آنجا و جهان عرب، شوده‌ها را در آن پیشتر می‌انگشتند.
در سال ۱۹۵۶ حمله سه جانبه انگلیس فرانسه و اسرائیل به مصر که پس از ملی شدن کاتال سوثر و در انتقام از آن سورت گرفت، علی‌رغم فریادی که به مصراو داده و لی راه آشنا را باز ننمود.

دهه ۱۹۵۰ سالهای مبارزه و پیروزی برای اعراب بود. موج انقلابی، فدای امیریالیستی و خد مهیوبیتی سراسر جهان عرب را در می‌شوردید. ناصر قدرت روز - افزون می‌بافت و در ۱۹۶۵ انقلاب مسلحانه فلسطین نیز آغاز شد. شهادت وحشیانه اسرائیل - با حادث امیریالیستهای امریکا - در ۵ ژوئن ۱۹۶۷ بمنظور برآنسو در آوردن اعراب (و پیش‌بیش آنها) مصر و آرمان مبارزه جویانه فلسطین (بوقوع پیوست تا از طریق یک شکست نظامی شدید راه پسرا) "برسمیت شناختن اسرائیل" بازگردید. شکست اعراب در ۵ ژوئن ۶۷ منجر به اشغال سراسر شبه جزیره سینا متعلق به مصر، ارتقا عات جولان سوریه و بقیه خاک فلسطین (نوار غزه و ساحل غربی رود آردن) که به ترتیب تحت تصرف مصر و اردن بودند) شد. آتش‌بسین اعراب و اسرائیل پس از ۴ روز چنگ برق آما بر اساس قطعنامه نورای امنیت منعقد گردید. این قطعنامه که دیبلوماسی مودیانه بریتانیا آنرا تنظیم (۱) - جو خد اسرائیلی در کل خاورمیانه جناب بود که هنی شاه ایران نیز نمی‌توانست کاملاً اسرائیل را برسیت شناخت بلکه آنرا بصورت "دو هاکنه" یعنی بعنوان پک "واقیعت موجود" برسیت می‌شاخت.

پیکار

شماره ۴۰

دلایل و واسطه‌کی که جا شوشاکو و کراسکی و مرتجمین عرب از عهدہ اش بہرنسا مدد قرار است از طبق و وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد و فلسطینی هارا به قبضه طرح آمریکا وادارند؟

نکته شایان ذکر این است که نیروهای انتقلابی و متفرق فلسطینی هم‌زمان با سقوط شاه و روی کار آمدن زمامداران فعلی این ترس خود را پنهان نمی‌داشتند که ایران بعد از شاه به سریلی برای تحمل راه حل مالامت آمیز مسئله خاورمیانه (یعنی شناساشی اسرائیل) تبدیل شود!!

در پایان به یک نکته دیگر هم باید اشاره کرد که در کنار هدفی که از دعوت یا نکته ایران ذکر شد، هدف دیگری نیز وجود دارد و آن تقویت روابط ایران با آمریکاست. روابطی که برخلاف میل میلیون‌ها نواده حسنه و مبارز و غیرغم خون هزاران شهید که با اسلحه آمریکا شهاده شده. روابطی که این روزها با موافقت آمریکا نسبت به فروز ۲/۵ میلیارد دلار قطعات بدگیر نظامی به ایران استعکام بیشتری می‌باشد و دلیل موافقت آمریکا این است که "اعتقاد دارد لازم است بر شبات دولت با زرگان افزوده شود" (نقل از سی‌سی‌سی، ۵ شهریور) و چه بهتر که تقویت روابط آمدن یک سایتمدادر آمریکا شی به ایران فعلانه در جلد اثاثی همز و سولیوان ملکه در چهره ماسکداری نظیر آقای آندرو بانگ باشد، که نهانی "طرفدار فلسطین" هم هست! و پایان سخن اینکه مگر انتظاری از این دولت جز این می‌رود؟ ■

نقبه از صفحه ۲

- مازی در کمان اعدام می‌شود به اتهام "ارتباط با گروههای صلح ضدانقلابی در کردستان" و "داشتن اعلامیه های حزب دموکرات کردستان و کمونیست" (کیان ۷ شهریور) و ... خلاصه هر شخص مخالف زیم در هر نقطه کشور و هر جریی که داشته باشد، در ارتباط با حزب دموکرات کردستان بوده و در حادث کردستان دست دارد.

نگاه کنید چگونه همان شیوه‌های مخرب و منفعی بهتان زنی زیم سابق حقیقتی با همان جمله - های شهوجار و معرفت و آشنا می‌واره توی ریسم جدید زنده گشته و طوطی وار تکرار می‌شوند. تو گویی که چیزی تغییر نکرده و آب از آب نکان نخورد، است.

واقعیت اینست که قرابت و شیاهت سیستم حکومتی کنونی با زیم سابق بقد رسیت که سیستم حکومتی فعلی ناجار میگردد مسو و قدم همان را هی را طی کند که زیم سابق رفته است، بد و اینکه حتی بتواند از سرنوشت محتوم زیم‌های مسلمان! اراده مید هند!

آنچا که مطبوعات دولتی ما از آند رویانگ آمریکائی، چهره یک فدائی فلسطینی آنهم طرح از مجله سروش وابسته به رادیوتلویزیون ساقی و شکست منفعت و ناگزیر علکرد ها و روشیای آنان، عربت گردید ■

در کیهان ۳ شهریور می‌خواستیم که "دکتر بزرگ و وزیر خارجه ایران از پانگ دعوت کرده است به ایران سفر کند." باید برسید چه رابطه‌ای بین کوشش‌های امیریاالیسم آمریکا و چه اندداختن اسرائیل در خارج از میانه و اداره کردن فلسطینی ها به شناسانی آن از بکظر و وظیف دکتر بزرگ میان و زیر امور خارجه ایران وجود دارد. آیا امیریاالیسم آمریکا برای اجرای طرح امیریاالیستی خود به یک دلال آبرومند، آنهم از جمهوری اسلامی ایران که "انقلابی" و "دست" فلسطین هم هست نیازمند می‌باشد؟ آقای دکتر بزرگ از دعوت بانگ - این چهره مژو ران امیریاالیسم آمریکا - بشه ایران چه هدفی را دنبال می‌کند؟ خدمتی به فلسطین؟ هرگز! چرا که چهره‌های رنگارنگ سیاست امیریاالیستی آمریکا در قبال مثله فلسطین (و در اینجا آندرو بانگ) محل استجز در خدمت اسرائیل باشند.

سلماً هرگونه کمکیه امیریاالیستها که سمعتی فشار بر انقلابیون فلسطینی سرازیر برسیت شناختن اسرائیل است، خدمتی است به اسرائیل!

آیا آنهمه پشتیبانی بیندیخ مردم ما از انقلاب فلسطین، اینچیمن باشد بهاده شود؟ فلسطینی ها با سقوط رژیم شاه، از فرط خوشحالی سرازیر با نیم شناختند، آیا ایران بعد از شاه، بجای یک پشت‌حبه قوی برای فلسطین باشد به میورت بلی سرای سور آمریکا به فلسطین درآید؟ آیا آن

نقبه از صفحه ۱۱

"حریف" تسلیم طلب خود را هرجه بیشتر بزاویه درآورد بسی آنکه امتحانی دهد. دبلوماسی آمریکا که پی‌از به نکت انجامیدن ما موریت "باریست" نماینده و بیویه ملل متحد در سرقواری "ملح" و به رسمیت شناختن اسرائیل، بشدت فعال شده بود ابتکار عمل را مستقیماً در دست گرفت. برای نمونه کافی است گفته شود که کمینچه‌گر راه اجرای "سیاست‌رفت" و برگشت "خود برای "حل" بحران خاورمیانه، بیش از سی بار به سوریه سفر کرد. طی سالهای گذشته امیریاالیسم آمریکا برای مجبور کردن اعراب و بیویه فلسطینی‌ها برای به رسمیت شناختن اسرائیل به راههای مختلف دست زده است که منجمله میتوان استفاده از دلالهای چون جا شوشاکو (رشیس جمهوری رومانی) و کراسکی (صدر اعظم اتریش) نام برد که ظاهرآ به عنوان "دست" فلسطین می‌گویند فلسطینی‌ها را با اسرائیل آشیت دهند. آخر اگر فلسطینی‌ها که صاحب "خانه" اند چیزی به نام اسرائیل را به رسمیت بشناختند دیگر قبیه تمام است. سازمان آزادبیخت فلسطین نه تنها مواجه با این تقطیع ها بوده بلکه در کنار آن در معرض سرکوب و فشوده شدن کلو (جانانکه در لبنان) نیز بوده است. رهبری انقلاب فلسطین (خط باصره‌رفات) از اینکه شناختن اسلامی و تقطیع ها این ادامه نکرده است و می‌گویند در عین ادامه فعالیت‌های نظامی این "راه" ها را نیز برخود نیشند.

از سوی دیگر اسیریاالیسم آمریکا هر روز شکردهای تازه‌تر و اغیون‌ها و خروس- قندیمهای جدیدی را در کنار چماق‌های سرکوب ارائه می‌دهد. شکر تازه اواستنفای آمریکا در سازمان ملل است. "بانگ" که با پوست‌سماش برای "آبرو دادن" سیاست "حقوق بشر" کارتر به چنان مقامی منسوب شده است گهکاه مواضیع اتخاذ می‌کند که ظاهرآ با موضع کاخ سفید یکی نیست. منجمله روزنامه‌ها در اوائل شهریور ماه جاری خبر دادند که آندرو بانگ سا نماینده سازمان آزادبیخت فلسطین که به عنوان ناظر در سازمان ملل متحد حضور دارد حلسه‌ای خصوصی داشته و بدین سبب مسو دی بازخواست و اشکنگن قرار گرفته و استعفا داده است. حالا چطور شده که این نماینده قابل اطمینان اسیریاالیسم آمریکا در بهنه جهانی، ناکهان دوست فلسطین و دشمن اسرائیل از آبدارآمده این را باید از "لوطی‌های" کاخ سفید برسید که این "عنتر"‌ها را می‌رقانند!

در ادامه همین قضیه استعفای بانگ



دادگاههای اقلاب یوشهی برای اعدام افلاطیون

اماً ارتش به سرکوب خلق پرداخته (وجه سا از روی ناآگاهی) اعدام می‌کنند و اماً خائن را به ۳ سال حبس محکوم می‌نمایند. و بازدرا همین روز خبری داریم حاکی از اعدام عده‌ای از نظامیان که حاضر شده بودند به روی مردم بیگناه در کرد - سلطان آتش بگشایند.

این عده را که شامل ۲ ستون و ۵ گروهبان و یک استوار می‌باشند به همان جویی که زیم شاه در دروان اقلاب، افسران و روحانیان اقلابی را بدان متمم می‌کرد و به "مجازات" مرساند، اینکه دادگاههای "انقلاب" به اعدام محکوم نموده اند.

چگونه می‌توان چنین اعمالی را توجیه نمود؟ آیا چنین جنایاتی بیانگر وجود عنصر ارتقا می‌باشد و باسته به امیراللسم در راس ارگانهای حکومت موقع به اصطلاح اقلابی نیست؟! فرمت طلبان سازش - کاری که هم اکنون بر سند قدرت تکیه زده اند در روزهای قیام سلحنه بهمن ماه، مردم را از تصرف پادگانهای ارتش مزد و روشاه بر حذر می‌اشتند چون حرکت سلحنه توده‌ها خلاف صالح آنها و همجنین اربابانی بود که قبل از قیام این فرمت طلبان با آنها به سازش رسیده بودند. در نتیجه دولتی برسکار آمد که ارگان قیام سلحنه توده‌ها نموده و خواستهایش را فسخ کند. همچنانکه با زنگان بارها اعلام داشته است که "اما را ن می‌خواستیم ولی ندخته‌انسیل آمد". اکنون که این سازشکاران و میوه جنات اتفاق نمی‌خواهند و نمی‌توانند مدعای خواستهای برقع توده‌ها باشند گویند، به سرکوب آنها مادرت می‌ورزند و داد - دادگاههای اقلابی را به بیادگاهی غایب افلاطیون مدل می‌سازند. بیادگاههایی که روای مزدور ارتش، گارد، ... را آزاد و انتلاق بیرون را اعدام می‌کنند.

بروجن اصفهان

- حد بورجیدری بروجنسن، دانشجوی داستکار شرپر که در کردستان به دستور خلخالی محاکمه و شیرباران شده بود به بروجنس فرستاده شد. نا مدتی بعد او را تحويل خانواده اش نشی دهد. تازه پس از تحويل مه خا سواده مقتول را از گرفتن مجلس پادیود معنی کند و در ضمن مقابله خانه، پادشاهی کشک می‌دهد و رفت و آمد ها را کنترل می‌کند.

رفقا، هوا داران!

خبر مبارزانی منطقه خود را برای مافرستید. در صحت و موقن بودن اخبار نهایت دقت را نموده و تاریخ و متخصصات دیگر خبر را در تبیین احوال موقع خبر را حتماً بخارط داشته باشد.

گاههای "انقلاب" در شهرهای دیگر، با اعدام پاسبان و پاسبان می‌کشند، تا دستهای خوبین امواه ارتش را بینان کنند و آنان را برای بازسازی اوضاع ضد خلق بکار گیرند. در روزنامه ما، این روزها، نمونه‌هایی از اعدام کم نیستند و هر روز بستر از روز قبل بچشم می‌خورند. از جمله می‌توان به خبر روزنامه ما داد روز سه شنبه ۶ شهریور ۱۳۵۸ ۱۳ تا گذشتگان خشوده‌ها، می‌تواند "بلکه برای مهار زدن به چنین خلق و انحراف آن از سیر اصلی، به سرکوب دادگان و اقلابیون راستین برد اخته است.

۱ - سپهبد بازنشسته ناصر فیروزمند رئیس ستاد لشکر کارد در جیریان وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و معاون هماندیش کنندۀ ستاد کل ارتش در جیریان اقلاب سالهای ۵۶ و ۵۷ به جرم شرکت در تجهیز پرسنل گارد برای سرکوب ظاهرات حق طلبانه مردم تهران در خردا د ۴۲ به ۳ سال حبس تاد بی پی و استرداد اموال حکوم گردید ...

۲ - استوار حسین شیخ، جمعی لشکرگارد، مأمور در فرمانداری نظامی تهران به خاطر شرکت در سرکوبی ظاهرات مردم در ۱۲ شرپرور و شلک تبره‌هایی به سال حبس تاد بی و افضل از اعدام محکوم گردید.

۳ - کریم بایرامی پاسبان کلانتری ۱۹ تهران که به قتل شهید محمود لطفی می‌دهند، به محارب با خدا و رسول خدا و قاتل خلق خدا شناخته شده و به اعدام محکوم گردید ... نقل از روزنامه اقلاب اسلامی سه شنبه ۶ شهریور ر

می‌بینیم که چگونه پاسبانی را که بدستورهای

دادگاههای انقلاب که پی از رگاههای اعمال قدرت خرد بورژوازی بود و در ابتدا به محاکمه و مجازات عامل رژیم شاه خانم می‌برداخت و احتمام اتفاقی آن بارها بورد تائید و حمایت شرپرها از انتظامی قرار گرفته بود بدینجای در خدمت هر روزا زی لسراز دارآمد. با تصفیه عاصم متفرقی و دمکرات از دو روز آن، اینکه تنها مهره های خود فروخته بیمه زد و روشاه را از چنگال خشوده‌ها، می‌تواند "بلکه برای مهار زدن به چنین خلق و انحراف آن از سیر اصلی، به سرکوب دادگان و اقلابیون راستین برد اخته است.

۴ - این دادگاه‌ها از یکطرف از اعدام مهره های اصلی رژیم سایر مانند دکتر شیخ الاسلام زاده - که بگفته شیرین بیانه ای، بی پزشک ماهری است، "صرفظیری - تند و از طرف دیگر اسان فداکار و مارزی چون دکتر رشت سرداری را که تمام امکاناتش را بخدمت مردم گرفته بود، با اهتمامی واهی مانند چالا - لکر" "ضد اقلاب" و ... - گلماهی که در زمان رژیم بود و به بنده همیشه اقلابیون نسبت داده می‌شد - به جوشه آتش می‌سپارد.

هرچه که این دادگاهها در حاکمهای اسلام رژیم منفور بهبلوی مستی نشان می‌دهند (مانند محاکمه هوبای پاسبان کلانتری ۱۹ تهران) در محاکمه اقلابیون، سریع عمل بخوبی می‌دهند، به طوریکه هر مردم گرجی بیانی، "علم اقلابی" و یکی از بنیانگذاران کانون فرهنگیان کرمانشاه در مردم تیزی از ۵/۲ ساعت پس از دستگیری تیرباران می‌شود.

در همان زمان که دادگاههای فوق العادم در کردستان به اعدام اقلابیون مشغول است، داد-

خبر سه رسانه

شیراز

- در هنگام اعزام شدایدی با سدار به کردستان گروه زیادی از مردم شرماز در این شهر احتساب کردند و نسبت به اعزام پاسدار از شیراز به کردستان اعتراض کردند. آنها می‌گفتند که این عمل نوعی برادرکشی در کردستان است.

نجف آباد اصفهان

- عده‌ای از مردم ناگاهه و تحریک‌نده به کتابخانه "رود" که کتابهای منافق و اشلاقی می‌فرمودند، در اثر این آتش‌سوزی، فسخی از خانه محارب کتابخانه‌شی که متعلق به کتابخانه فروخته شدند. در همین حال بکی از جوانان نجف آباد که شابلات کمیته‌ی داشتند، چاقو می‌خوردند و در بهمارستان ستری و تحت عمل جراحی قرار می‌گیرند.

- علی اشرف در پیشیان نویسنده مازک که سالها در زندان شاه بود، اخیراً دستگیر شده است. علاوه بر دادگاهیان دهها معلم و روشنگر مازد پیکر در کرمانشاه دستگیر شده‌اند. هزاران فرزا ز مردم کرمانشاه به اعدام و معلم مازک کرمانشاه به سیله خلخالی اعتراض کرده‌اند. در قصر شیرین هم ۳۶ معلم مازک را دستگیر شده‌اند. گروه کنیری از پیروان اهل حق کرمانشاه، قصر شیرین و کرند، در ظاهرات پرشکوهی خواهان پایان دادن به خونریزیهای کردستان شده‌اند. اهل حق و پرخی عناصر دولت را به عاقب اقداماتش تهدید کرده‌اند.

تبریز

- مردم در محله‌های مختلف راه افتاده و برای سفاره‌ها و قنایی ها خودشان سرخ شمیم کرده‌اند. آنها می‌گویند: ما دیگر راه خود را بیندازیم و سپاه این احاطه‌شده هم سرمایه‌داران خون مازک است.

اهواز

- طبق اخبار رسیده در جاده اهواز - تهران افراد مسلح داخل توبوس می‌شوند و لیست مسافران را از راننده می‌گیرند و اسام آنها را

پیکار

بیکمان هیئت حاکمه که دروغگویی را سرای خود به مقام "فضلات" رسانده است، خواهش گفت که اینها مردم شنوده و خارجی بودند و از آن طرف مزراها ...! لیکن مگر رژیم شاه جز این می گفت؟ و سرانجام چه شد؟ آبا حقیقت پنهان ماند؟ اکنون نیز نخواهد ماند.

● ازعاق "ملی" کودن

آقای مولوی رئیسی با تک مرکزی ایران سر - انجام اعلام کرد که دولتجمهوری اسلامی ایران تضمیم گرفته است که کلیه بدھی خارجی بانکهای ملی نده را برداخت کند!

دولت با ریگان که "ملی کودن" بانکهای را با بوق و کرنا به ملت قالب کرد و میتوانست بمقولاند که گویا این همان ملی کردنش است که شما می خواستید، اینکه بدھی بانکهای عدالت را برداشت ای را که سرمایه هایشان را بخارج کشیده بودند، از جمیع ملت می بردند. دولت برای اینکار بانکها را به سه دست تقسیم کرده است: بانکهایشکه دارای تقدیمی کافی مسند بانکها - شیکه دارای تقدیمی به حد مطلوب نیستند و دولت هد درد دارد از بدھی شان را تحمل می کند و با اخراج بانکهایشکه بهمچوچه تقدیمی نداشت و نصیحتاند بدھی خود را به خارج ببردازند. البته روشن است که اکثر بانکها شامل همین دسته آخری هستند و منحنا!

طبق گفته مولوی مجموع بدھی بانکها بـ امیریابالیم در هایان استندام ۵۷ بـ ۲۴۳ میلیارد ریال بالانع می شود. با توجه به اینکه امیریابالیستها و امیانها با بهره سرما ۰ و ۲۱٪ به این بانکها داده بودند که در واقع از همین ملت ایران می رفت، باید برسید که چرا دولت من خواهد بدھی بانکها را تمام و کمال به امیریابالیستها ببردازد؟ بینند همین نکته را آنای صراف نهادنده سازمان برق تامه، در جلسه هیئت مدیره مشترک بانکهای "ملی" شده چگونه توجیه می کند. وی می گوید:

"سیاست اقتصادی و سیاسی ایران حکم میکند که بخارط نعم جامعه ایران (!) میگذرد با نکهای ملی شده بخارجی های راهنم ببردازیم حتی داخلي آنها را هم برداخت می کیم" !!

دیگر جرم هر مبلغی خود بخود از بیان با حزب دمکرات شده است!

ذاغ لعنی برپاشانی اش کوپیده می شود. و همین گافست که او را محکوم به مرگ و یا حداقل چند سال آب خنک خوری در زندانهای این «ضرو...» مفتر سازد. در اینجا غرض این نیست که ما از روزیم انتظار داشتیم باشیم مخالفین خود را سرکوب نکند، که در اینصورت جز امیدی واهی و سخنی بچویش نخواهد بود.

روزیم که از اندی ای حکومت تمام نیرو تو ان نسبه در صفحه ۲

پیامبران و میهمونیم و غیره در کردستان تنها بخاطر فربوده هاست. درمی باشد که برخلاف ادعای رژیم در شهرهای کردستان به آن معنی کسی نیست که به استقبال ارشاد اسلامی بساید (بیزاری که از تکهای متدرج در روزنامه ها نیز بیداشت) زیرا که مردم بسایر شهر را ترک کرده اند و بقیه نیز از ارشاد و دولت کیته بدل دارند. و سر اجماع درمی باشد که خلق کرد برخلاف با وی گویی-

● قدرت حاکم همچنان دروع می گوید

خلق متدبده کرد جواب خواست عادله خود، حق خود مختاری را از هیئت حاکمه دریافت کرد. حمله ارشاد و پاداران از زمین و هوای به منظور کشتن خلق کرد و آواره مانع آنها به استبد شپور های کردستان، همانطور که پیش بینی میشد بکسی سعد از دیگری تخلیه و بدمت مهاجمین دولت به اصلاح انتقامی بینند. هم اکنون تعداد کشته از ساکنان های راه را ترک کرده و سرمه کوهه ببابان گذاشتند. شاکون اطلع تدقیق از عده ارشاد کشته شدگان در دست نیست، لکن طبق اخباریکه به دست ما رسیده است، تنها در شهر های باد، که بینش از ۴ ساعت زیر بسیار از ارشاد اسلامی بود حادثه بکشند جان خود را از دست داده اند و این علاوه بر آن جنایات فجیعی است که شیخ خلخالی، در شهرهای اشغالی مرتكب می شود.

در این میان هیئت حاکمه که بعد کافی خشم و نفرت خلق کرد را نیست به خود برآشکخته است، با پخش اخبار مکلی غیرروانی و در یک کلام دروغ، مردم ایران را فربود می دهد. دروغ بفردازی این گندم شایان هوفروش در عین حال با چنان ناشی گری خواه است که گاه حتی خود نیز آنرا خاشا می کند. بسیار بیاورید بیام آیت الله خمینی را بایه استناد آن خبر دروغ در مورد به اصلاح محacre زنان نوسط کردها در سندخ که میلانه استناد کردستان و پس از جندي با ریگان در نظر رادرسو تلویزیونی اش به شکنیب آن برخاست ولی اینها هنوز به روی میارکند و در اند.

بسیار بیاورید آن اخبار مکلی دروغ در مورد سربریدن پادشاهان نوسط کردها که ورد زیمان هیئت حاکمه شد، کاری که شایان از کسانی جزو ن شیخ خلخالی میتوان انتظار داشت.

بسیار بیاورید وی گفت که اخشار کردستان غیرروانی دروغ است و حتی به آمام نیز اخبار دروغ میرسد.

(نقل به معنی)

اکنون مردم روز بروز سیتر خلیفه را درمی باشد. درمی باشد که قایع کردستان آنطور نیست که از حلقه مرتضیتین عنامر رژیم و سه دروغ جار زده می شود. درمی باشد که صحبت از

● در هفته ای که گذشت

● سیاست یک دست چماق و دست دیگر فان شیرینی!

قدرت حاکمه که چماق را در کردستان بکار اشاده است و چه خوبیار، اینکه دست دیگر را به مختری در چهارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک می خواهد.

در هفته ای که گذشت، دولت با اختصار

در رآمد یک روز نتفه استان کردستان، که بعد اینکه دیگر استانها و نیز شامل شد، شیلیکاشی و سیع برای انداخت که چنین و چنان خواهیم کرد و کرد شان را بیشتر ببریم! لیکن نظر هرات چند هزار نفری مردم هایان در روز ۶/۱۵، آتشم در شرایطی که اهالی عدالت شهر را ترک نموده و شهر در سلطنت میان بود، شناسن داد که اینکه میان مهوری خلق کردنه دستیابی به امکانات سادی محدود و نیم سند که به شوی خود بسیار مهم نیز هستیبلکه کسب هویت ملی و حفظ آن در چهارچوب سیستم خودمنظری است. مردم هایان در رشت هرات خود که با مداخله ارشاد و پاداران مواجه شد، با اعتراض ایشان نهادن نظامی کردستان و همچنان حمایت از رهبران ملی خود اتحاد و بگانگی خود را پیش چشان چنگ افروزان به شما پیش کذا دادند.

حزب دموکرات، پیاره نیانی در دست هیئت حاکمه!

آب و تاب آنرا نکار می کنند، این حرف تازه این حر به نوبن جهت سرکوبی مخالفین، پیراهن عثمان "حزب دموکرات" و "شرکت در حواله ای اسناد" است. امروزه هر کن ناقد می برمی دارد و حرفی میزند که برخلاف میل قدرت ای اسناد و در جهت باز کردن هشت ایشان در پیشگاه شوده هاست، در یک چشم بهم زدن مهر همکاری، ارتباط و عضویت حزب دموکرات "از آستان ریزیم بیرون آمده و همچون

درست از زمانی که بیوش گشته، آشکار و ظالمی قدرت حاکمه به کردستان در مقابل خواسته های بحق خلق کرد آغاز گشته و همزمان با آن حمله آشکار و حشیانه ای به مطبوعات مترقب و مترسان ام. های انتقامی و ضد امیریابالیست، چه کوینتی و چه مذہبی در سراسر ایران سازمان داده شد، آری درست از همین موقع حرف تازه ای به دهان صاحب منصبان هیئت حاکمه افتاده است و بلندگو های تبلیغاتی ریزیم نیز هر ساعت و هر دقیقه با

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر